

مقدمه‌ای بر جایگاه بهداشت و طب در دوران شکوفایی طب اسلامی

مهدی ناطق پورا^۱، علی کاظمیان^{۲*}، نیکزاد عیسی زاده^۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۶

تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۲۵

تاریخ انتشار: ۹۶/۱۰/۳

دیدگاه

چکیده

فرهنگ اسلامی، مجموعه‌ای درخشان و جامع‌نگر در تمدن انسانی است. تفکر اسلامی، تن و روان و جان را در ارتباطی تنگاتنگ می‌بیند و سلامت هر کدام را در گرو سلامت دیگری می‌داند. در بسیاری از آیات و روایات، بر توجه توأمان به روح و جسم تأکید شده است. از سوی دیگر با مراجعه به آثار فقهی علما و فقهای بزرگ می‌بینیم شرط صحت بسیاری از عبادات متوقف بر طهارت و نظافت است و در نتیجه، بسیاری از دوره‌های فقهی و رسائل عملیه با بحث طهارت و لوازم آن شروع می‌شوند. در حدیثی از رسول خدا(ص) آمده است: «الطُّهُورُ نِصْفُ الْإِيمَانِ»؛ پاکیزگی نیمی از ایمان است. پس تلاش در حفظ سلامت روحی و جسمی از لوازم دینی برای هر مسلمان دانسته شده است.

در دوران شکوفایی طب در میان مسلمانان، بهداشت و درمان در کنار یکدیگر بررسی می‌شدند. با ظهور حکیمان و طبیبان بزرگ اسلامی، این رشته از علوم از استحکام، غنا، نظم و ترتیبی شایسته برخوردار شد. طب در نزد اکثر حکما و اطبای مسلمان به سه بخش کلی تقسیم می‌شد: بهداشت (پیشگیری)، شناخت بیماری‌ها و درمان آن‌ها. در میان کشورهای اسلامی، ایران در علم طب از جایگاهی ویژه برخوردار بود: قبل از انتشار اسلام در ایران، مرکز علمی «جندی شاپور» از مهم‌ترین مراکز طبی در زمان خود بود و طبیبان آن به عالم طب خدماتی ارزنده ارائه کردند؛ پس از تشریف ایرانیان به اسلام نیز، اطبای مسلمان ایرانی جزء پرکارترین و حاذق‌ترین طبیبان زمان خود بودند. به منظور مروری اجمالی بر جایگاه بهداشت و طب در دوران شکوفایی طب اسلامی، با استفاده از روش مطالعات توصیفی و با مراجعه به آثار و شواهد تاریخی به‌جامانده از مورخان و حکیمان ادوار گذشته، این بررسی انجام پذیرفت.

واژگان کلیدی: ایران، بهداشت و طب، پزشکان مسلمان، طب اسلامی

۱. استاد، مرکز تحقیقات علوم قرآن حدیث و طب، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

۲. دانشیار، مرکز تحقیقات علوم قرآن حدیث و طب، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

* نویسنده مسئول: تهران، خیابان وصال شیرازی، کوچه فر دانش، پلاک ۱۳، طبقه اول، تلفن: ۸۸۹۹۳۶۵۷

مقدمه

عظیم‌الشان اسلام و ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام نقل شده‌اند گویای اهمیتی است که این بزرگواران برای سلامتی جسم و جان قائل بوده‌اند. در حدیثی از امیرالمؤمنین علی(ع) آمده است: «...وَ أَشَدُّ مِنْ الْفَاقَةِ مَرَضُ الْبَدَنِ وَ أَشَدُّ مِنْ مَرَضِ الْبَدَنِ مَرَضُ الْقَلْبِ... وَ أَفْضَلُ مِنْ سَعَةِ الْمَالِ صِحَّةُ الْبَدَنِ وَ أَفْضَلُ مِنْ صِحَّةِ الْبَدَنِ تَقْوَى الْقَلْبِ»؛ «و (گرفتاری) بدتر از تنگ‌دستی، بیماری تن و بدتر از بیماری تن، بیماری دل است... و (نعمت) بهتر از فراوانی مال، تندرستی بدن و بهتر از سلامتی بدن، پرهیزگاری (و صحت) دل است» (۲). این بیان منقول از مولا علی(ع) به‌خوبی اهمیت سلامت جسم و روح را مشخص می‌کند. ارتباط متقابل بین جسم و روح از چنان استحکامی برخوردار است که بیماری هر کدام در دیگری تأثیری چشمگیر دارد.

با مراجعه به کتب فقهی فقها و علمای بزرگ اسلام درمی‌یابیم شرط صحت بسیاری از عبادات، به طهارت و نظافت مokol شده است و اساساً بسیاری از دوره‌های فقهی و رسائل عملیه با بحث طهارت و لوازم آن شروع می‌شود. در حدیثی از رسول خدا(ص) آمده است که «الطَّهْوَرُ نِصْفُ الْإِيمَانِ»؛ «پاکیزگی نیمی از ایمان است» (۳). حدیث مذکور و نظایر آن، نشانگر اهمیت طهارت و نظافت (مظاهر مهم بهداشت) در اسلام است. به هر حال، مسلم است که اسلام و پیشوایان دینی توجه به بهداشت و سلامت جسم و روان را جزء تعالیم خود قرار داده و در مواقع ضروری نیز آن را به پیروان خود تأکید می‌کرده‌اند. بخش‌هایی از این تعالیم در کتب حدیث،

فرهنگ اسلامی، مجموعه‌ای درخشان و جامع‌نگر در تمدن انسانی است. نه فقط از آن جهت که تنها در احیاء ابعاد روحانی و معنوی به میدان آمده است، بلکه تن و روان، و جسم و جان را در ارتباطی متقابل و تنگاتنگ می‌بیند و سلامت هر کدام را در گرو سلامت دیگری می‌داند. در بسیاری از آیات و روایات، بر توجه همزمان به جسم و روح تأکید شده است. خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ»؛ «ای اهل ایمان از [انواع خوردنی‌ها و نعمت‌های] پاکیزه‌ای که روزی شما کرده‌ایم، بخورید و خدا را سپاس گزارید، اگر فقط او را می‌پرستید.» در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «...كُلُوا مِن رِزْقِ رَبِّكُمْ وَ اشْكُرُوا لَهُ»؛ «از روزی پروردگارتان بخورید و سپاسگزار او باشید.» در آیات فوق در کنار توجه به بعد جسمانی که برای تأمین سلامت آن به استفاده از انواع خوردنی‌ها تحت عنوان رزق اشاره شده، از سلامت ابعاد روحانی نیز که نتیجه و حاصل سپاسگزاری از خداوند و عبادت ذات اقدس الهی است، سخن به میان آمده است. در حدیثی از رسول خدا(ص) نقل شده است که «تَدَاوُوا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَنْزِلْ دَاءً إِلَّا وَ أَنْزَلَ لَهُ شِفَاءً»؛ «(دردهای) خود را درمان کنید به درستی که خداوند عزوجل دردی نفرستاد مگر اینکه با او درمانی را همراه کرد» (۱). روایت یادشده و بسیاری مانند آنکه از پیامبر

۱. قرآن کریم، سوره‌ی بقره، آیه ۱۷۲

۲. قرآن کریم، سوره‌ی سباء، آیه ۱۵

مندرج و قابل استناد می‌باشند که از آن جمله می‌توان به *من لا یحضر الفقیه* (شیخ صدوق)، *وسائل الشیعه* (حر عاملی)، *بحار الانوار* (مجلسی)، *مسند* (احمد بن حنبل)، *صحیح بخاری*، *صحیح مسلم*، *سنن ابوداود*، *سنن ابن ماجه* و *سنن ترمذی* اشاره کرد (۴). در این نوشته سعی شده است با مروری اجمالی بر منابع موجود به بررسی جایگاه بهداشت و طب در دوران شکوفایی طب اسلامی بپردازیم.

روش کار

این مطالعه به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به کتب تاریخی ذی‌ربط انجام گرفته است. در این روش، پس از جمع‌آوری و مطالعه‌ی نوشته‌های مورد نیاز، مطالب براساس اهمیت و اعتبار آن‌ها انتخاب شده‌اند. این مطالعه از نوع مطالعات توصیفی است.

طرح بحث و جمع‌بندی

همان‌طور که پیش از این گفته شد، آیات قرآن کریم و احادیث صحیحی برجای‌مانده از رسول خدا(ص) و ائمه‌ی طاهرین(ع)، همگی از توجه اسلام به سلامت روحی و جسمی انسان حکایت دارند و سلامت هر کدام از دو بُعد یادشده را برای سلامت بُعد دیگر ضروری می‌دانند. در این زمینه، دستورهای لازم را نیز صادر فرموده‌اند؛ اما آنچه مسلم است، هدف از تشریح و تبلیغ اصول سلامتی توسط دین مبین اسلام، تدریس درس طب و بهداشت نبوده، بلکه تزکیه‌ی نفوس و هدایت آنان به صراط مستقیم الهی مد نظر بوده است تا انسان بتواند برای عبور از گذرگاه دنیا و ورود به زندگی جاوید با سعادت اخروی، آمادگی لازم را کسب نماید.^۱

اما از آنجا که پرداختن به عبادات الهی و تزکیه‌ی نفس باید در قالبی قانونمند و منظم انجام پذیرند تا از هر گونه افراط و تفریط و احیاناً انحرافی به دور باشند، به تدریج مباحث مختلف و تنظیم‌شده‌ی (کلاسیک) دینی مانند بیان احکام و تبیین مسائل شرعی رخ نمودند. این مباحث میان نیازمندی‌های مادی، معنوی، جسمی و روحی مسلمانان ارتباطی تنگاتنگ برقرار می‌کردند. از همین رهگذر بود که رسول خدا(ص) و ائمه‌ی هدی(ع)، ضمن ارائه‌ی تدریجی مباحث ضروری معنوی و احکام شرعی، گاهی نیز به‌طور مشخص به راهنمایی‌هایی در زمینه‌ی تندرستی می‌پرداختند. با توجه به رابطه‌ی متقابل میان جسم و روح و اینکه سلامت هر کدام (با درجاتی) در دیگری تأثیر دارد، رسول خدا(ص) و ائمه‌ی طاهرین(ع) همپای تعادل و سلامت روح، برای سلامت تن نیز اهمیت بسیاری قائل بوده و پیروان خویش را به حفظ سلامت هر دو بُعد دعوت می‌کرده‌اند؛ همچنین آنان با این رویکرد، به تبلیغ و تأیید علمی که برای حفظ سلامتی جسم و روح ضروری بود، می‌پرداخته‌اند. به‌گونه‌ای که علم طب و بهداشت، در میان عموم مسلمانان، به‌ویژه دانشمندان اسلامی، به جایگاهی خاص و والا دست یافت.

با کمی دقت در کنش‌ها و واکنش‌های روزمره‌ی زندگی خود و دیگران می‌توان تأثیر متقابل جسم و روان را بر یکدیگر مشاهده کرد. حالات هیجانی در انسان با تغییرات و واکنش‌های جسمانی در اعضای مختلف بدن، به‌ویژه دستگاه‌های گوارش، تنفس و گردش خون همراه است. در حالت ترس، هیجان و اضطراب شدید، رنگ

۱. قرآن کریم، سوره‌ی بقره، آیات ۱ تا ۵

۲. قرآن کریم، سوره‌ی جمعه، آیه‌ی ۲

دوران تألیف و تصنیف کتب طبّی (از اوایل قرن سوم تا اواسط قرن هفتم هجری) جزء بهترین‌های زمان خود در علم طب باشند و با دستیابی به ابداعاتی شگرف در این حوزه، دوران شکوفایی طب اسلامی را رغم بزندان (۹ و ۱۰). از طرف دیگر، حکما و اطباء مسلمان با عنایت به این نظر اسلام که فقط خداوند را علیم و خبیر مطلق می‌دانند، به خود اجازه دادند تا اندیشه‌ها و گفته‌ها و نوشته‌های دانشمندانی را که تا قرون متمادی، یکه‌تاز عالم طب و طبابت بودند، نقد و بررسی کنند و این روش پسندیده را به عالمان و اندیشمندان پس از خود نیز انتقال دهند. محمد زکریای رازی (۲۵۱ تا ۳۱۳ ه.ق)، پزشک، شیمی‌دان و فیلسوف مسلمان ایرانی در بخشی از رساله‌ی خود به نام شکوک بر جالینوس که نقد و واکاوی پاره‌ای از نظریات اوست، می‌نویسد: «...مقام جالینوس بر هیچ کس پوشیده نیست و ممکن است بعضی از کوتاه‌نظران مرا بدین کار سرزنش کنند؛ ولی فیلسوف و حکیم بر من خرده نخواهد گرفت به دلیل آنکه در حکمت و فلسفه، تقلید جایز نیست و باید از روی دلیل و برهان، صحبت و گفت‌وگو به عمل آید و اگر جالینوس زنده بود، مرا برای این تألیف ستایش می‌کرد» (۱۱).

از طرف دیگر، علم طب و بهداشت نیز مانند دیگر علوم بشری در بسیاری از جهات تابع شرایط زمان و مکان است و با علوم دیگر ارتباطی تردیدناپذیر دارد. با مطالعه‌ی (حتی اجمالی) تاریخ علوم پزشکی و بهداشت به راحتی می‌توان به تفاوت‌های شگفت‌انگیزی که در قرن معاصر نسبت به قرون قبل در علوم یادشده پدید آمده است، پی برد. این فاصله نیز روزه‌روز، حتی می‌توان گفت ساعت به ساعت، بیشتر می‌شود؛ بنابراین توقف در

صورت تغییر می‌کند، نظم تنفس مختل می‌گردد، دهان خشک شده و اشتها کم می‌شود. در این حالت، قلب شخص به شدت می‌تپد و گاهی دست و پایش سست می‌شوند. با رفع عامل یا عوامل ترس و اضطراب، علائم و واکنش‌های پیش‌گفته نیز تخفیف یافته، وضعیت جسمی فرد به حالت عادی برمی‌گردد. بروز حالات هیجانی و اضطراب و تنش‌های جسمی حاصل از آن، اگر طولانی‌مدت و پرتکرار نباشند، مخاطرات چندانی برای جسم فرد پدید نمی‌آورند؛ اما اگر این هیجان‌ها و اضطراب‌ها برای مدت طولانی ادامه داشته باشند، منجر به بروز اختلالات جدی در بدن شخص مبتلا می‌شوند که آن‌ها را «اختلالات روان‌تنی» می‌نامند. این ناهنجاری‌ها باعث تولید سلسله بیماری‌های عضوی در قسمت‌های مختلف بدن خواهند شد (۶ و ۵).

حال با توجه به نقش شگرف اعتقاد به وجود خداوند یکتا و ایمان به معارف دینی و معنوی در ایجاد آرامش روحی و روانی، به راحتی می‌توان اعتقادات خالصانه به امر معنوی را در سلامت جسم مؤثر دانست. از امیرالمؤمنین علی (ع) نقل شده است که «قیامُ اللَّیْلِ مَصِحَّةٌ لِلْبَدَنِ»؛ «برخاستن شب (برای نماز شب) باعث سلامتی بدن است» (۷). افزون‌براین، در حدیثی از امام صادق (ع) نیز، برای نماز شب فایده‌هایی ذکر شده که دورکردن بیماری از بدن هم در میان آن‌ها آمده است (۸). احادیث ذکرشده و دیگر آثار برجای‌مانده از اقوال رسول خدا (ص) و دیگر پیشوایان دینی، از توجه فراوان دین مبین اسلام به سلامت پیروان خود حکایت می‌کند.

با توجه به همین اهمیت خاص علم طب و بهداشت در اسلام بود که حکما و دانشمندان اسلامی توانستند در

اندیشمند اسلامی که پیرامون مسائل طبی و بهداشتی بیان شده‌اند، باید جنبه‌های مختلف زمان و مکان، امکانات و حتی افراد مورد خطاب را در نظر گرفت.

آثار تاریخی باقی‌مانده از علما و حکمای گذشته نشان می‌دهد که پیش‌تر، طب و بهداشت به‌صورت یک علم واحد مطالعه و بررسی می‌شده و حد و مرز مشخصی میان آن‌ها وجود نداشته است. ابن‌خلدون (۷۳۲ تا ۸۰۸ ه.ق)، فیلسوف و مورخ بزرگ اسلامی، در تعریف دانش پزشکی چنین می‌گوید: «و آن صنعتی است که درباره‌ی بدن انسان از لحاظ بیماری و تندرستی گفت‌وگو می‌کند و دارنده‌ی این صنعت در حفظ تندرستی [بهداشت] و بهبود بیماری [درمان] به وسیله‌ی داروها و غذاها می‌کوشد...» (۱۳). در این میان، پرهیز از عوامل بیماری‌زا، از اهمیت خاصی برخوردار است.

در دوران شکوفایی طب در میان مسلمانان، بهداشت و درمان در کنار یکدیگر واکاوی و بررسی می‌شد. اگرچه قبل از ظهور اسلام در عربستان و دیگر کشورها، نوعی پزشکی در میان گروهی از مردم رواج داشت، پس از اسلام، با توجه به دستورهای بهداشتی پیشوایان دینی که گاهی با مفاهیم مذهبی درآمیخته بودند و با ظهور حکمای بزرگ اسلامی، این رشته از علوم، از استحکام، غنا، نظم و ترتیبی شایسته برخوردار شد.

طب نزد اکثر حکما و اطبای مسلمان به سه بخش کلی تقسیم می‌شد: بهداشت (پیشگیری)، شناخت بیماری‌ها و درمان آن‌ها. در بخش اول، یعنی پیشگیری از بیماری‌ها، دقت در نوع غذا و چگونگی غذاخوردن، اسراف‌نکردن، اجتناب از خوردن گوشت‌های ممنوعه (گوشت خوک، حیوانات حرام گوشت و حیوانات مرده)، پرهیز از نوشیدن مشروبات الکلی، توجه به تمیزی و

گذشته به هر صورتی که باشد، رهگشا نخواهد بود. مطالعه و بررسی ابداعات و کوشش‌های خستگی‌ناپذیر حکما و علمای گذشته در ضمن اینکه یک بررسی تاریخی پر افتخار است، می‌تواند برای نوآوری‌ها و ابتکارات جدید نسل جوان مسلمان‌الگویی مناسب باشد؛ نسلی که می‌خواهد در زمان خود، معماری بنای علمی گذشتگان را پیگیری کند. وقتی ما از بهداشت و سلامت در ابعاد مختلف آن در دیدگاه اسلام سخن به میان می‌آوریم، به دنبال نشان‌دادن نظریات اصولی و عملی اسلام، پیشوایان گران‌قدر آن و به تبع آنان، حکما و دانشمندان اسلامی در این زمینه هستیم؛ از این‌رو می‌توان گفت بهداشت و سلامت جسم و روان، همواره به‌عنوان زیرمجموعه‌ای مهم در مفاهیم دینی مطرح بوده است؛ البته این بحث و بررسی، به این معنا نیست که تمام تجویزها و تمهیدات آن بزرگواران را در محدوده‌ی طب و بهداشت، در تمام زمان‌ها و مکان‌ها لازم‌الاجراء بدانیم. چه اینکه اجراء یک دستورالعمل پزشکی و بهداشتی به عوامل مختلفی بستگی دارد و حتی در یک زمان ممکن است این دستورالعمل‌ها از مکانی تا مکان دیگر متفاوت باشند. شیخ صدوق (ره) درباره‌ی برخی احکام فقهی نقل شده از رسول خدا (ص) و ائمه‌ی هدی (ع) که به نوعی جنبه‌های طبی و بهداشتی دارند، به شرایط زمان و مکان نیز توجه کرده است و می‌نویسد: «اعتقاد ما در مورد اخبار وارده در [مسائل] طب چند جنبه دارد؛ بعضی از آن‌ها بنا بر هوای مکه و مدینه بیان شده‌اند و کاربرد آن در دیگر هواها [ی مغایر با مکه و مدینه] جایز نیست و بعضی از آن‌ها [نیز] بنا به [اقتضای] طبع سؤال‌کننده ارائه شده‌اند...» (۱۲)؛ بنابراین به هنگام برخورد با روایات مأثوره از پیشوایان عظیم‌الشأن دینی و سخنان حکما

علم طب متداول در میان علما و حکمای اسلامی، در گذشته، وضعیت کاملاً مستقلی نداشت و بسیاری از مفردات آن، خلاصه‌ی یافته‌ها و تجربیات حاصل از ترجمه‌ی کتاب‌های حکما و اطبای بزرگی مانند بقراط و جالینوس بودند که مجموعه‌ی نسبتاً کامل آن را در کتاب *الملوکی (الملکی)* علی‌بن‌العباس اهوازی می‌توان یافت (۱۶). کتاب *الملوکی* تا چند قرن مرجع مسائل طبی و بهداشتی مردم بود، تا اینکه کتاب قانون ابن‌سینا تألیف شد و در میان مردم انتشار یافت.

دانشمندان اسلامی با تأسی به آیات کریمه‌ی قرآن و سنت رسول خدا(ص)، به هر دانش مفیدی توجه داشتند؛ بنابراین تعدادی از حکیمان و طبیبان مسلمان که به زبان‌های بیگانه تسلط داشتند با ترجمه‌ی کتب و نوشته‌های یونانی و سریانی و هندی به زبان عربی، راه انتقال علم طب به معنای کلاسیک آن را به سرزمین‌های اسلامی باز کردند (۱۷). در این حوزه، در میان کشورهای اسلامی، ایران از جایگاهی ویژه برخوردار بود: قبل از ورود اسلام به ایران، مرکز علمی «جندی‌شاپور» از مهم‌ترین مراکز طبی در زمان خود بود و طبیبان آن به علم طب خدماتی ارزنده ارائه کردند؛ پس از تشریف ایرانیان به اسلام نیز، طبیبان و حکیمان مسلمان ایرانی جزء پرکارترین و حاذق‌ترین طبیبان زمان خود بودند. در دنیای قبل از ظهور اسلام، چهار حوزه‌ی مهم طبی [و بهداشتی] در جهان وجود داشت که اهم فعالیت‌های طبی و بهداشتی آن زمان در این مراکز انجام می‌گرفتند. این مراکز عبارت‌اند از:

۱. مرکز علمی «اسکندریه» که پس از تسلط اسکندر بر مصر تأسیس شد و دانشمندان صاحب‌نامی مانند

پاکی لباس و محل زندگی، توجه به شستن منظم بدن، استراحت کامل و توجه به بهداشت اعضای مختلف بدن در کانون توجه قرار گرفته است. در بخش دوم، به بررسی تشکیل نطفه و جنین، تشریح و وظایف اعضا، علل بیماری‌ها و علائم آن‌ها، روان‌پزشکی، رابطه‌ی میان بیماری‌های جسمی و روانی و بیماری‌های بومی هر منطقه پرداخته شده است. بالاخره در بخش سوم، بر درمان‌های عمومی، درمان‌های انتخابی و اختصاصی، سازش داروها و مواد غذایی با یکدیگر و طرز پرستاری از بیماران تمرکز شده است (۱۴).

اعراب جزیره‌العرب طبق عادت، معمولاً بیماران خود را با وسایل ابتدایی معالجه می‌کردند و مداوای بیماران را با فال‌گیری و کهنات (پیشگویی) در می‌آمیختند؛ بنابراین عرفان که سعی می‌کردند بیماران را از طریق فال‌گیری یا تفسیر اوضاع کواکب معالجه کنند، از جایگاهی ویژه برخوردار بودند. اسلام با ظهور خود به اعمال عرفان و فال‌گیران در معالجه‌ی بیماری‌ها خاتمه داد و طرق عقل‌پسندانه‌ای را به حکما و اطبا پیشنهاد داد. با آنکه تعدادی چشمگیر از پزشکان صدر اسلام، مسلمان نبودند، اسلام از این علم تمجید می‌کرد و «علم‌الابدان» را یکی از علوم مهم به شمار می‌آورد. باین‌حال علم پزشکی، تا مدت‌ها در انحصار طبیبان یهودی و مسیحی بود؛ به‌گونه‌ای که بعضی خلفای عباسی، رئیس طبیبان دربار خود را از میان پزشکان مسیحی انتخاب می‌کردند؛ البته وضع بر این منوال باقی نماند و مسلمانان دانش‌پژوه توانستند با فرا گرفتن علوم مختلف پزشکی و بهداشت چنان پیشرفتی کنند که تا اواسط قرن هفدهم میلادی از استادان برجسته‌ی این فن در جهان به حساب آیند (۱۵).

اطبای مسلمان نیز در برخی جهات، از طبابت هندی در مداوای بیماران استفاده می‌کردند. کتب قدیمی هند، علم طب را علمی الهی معرفی کرده و برای اطبا، صفات خاصی را برشمرده‌اند که عبارت‌اند از: نظیف‌بودن، لباس سفید پوشیدن و با مردم به ملاطفت و مهربانی رفتار کردن (۱۹). مسلمانان بیشتر از طریق مرکز طبى جندی‌شاپور که تعدادی پزشک هندی در آنجا مشغول به کار بودند با دیدگاه‌های پزشکی اطبا و حکمای هندی آشنا شدند.

اصولاً طبى که توسط پزشکان اسلامی طرح و پیگیری می‌شد ادامه‌ی بخش‌هایی از طب ایران، هندوستان، یونان و اسکندریه بود که توانستند با ترجمه‌ی کتب مختلف طبى آنان، بر غنای علمی و تجربی خود بیفزایند. نکته‌ی حائز اهمیت درباره‌ی اطبای اسلامی قدیم این است که آنان هیچ‌گاه به اطلاعات و تجربیات استادان خود بسنده نکرده‌اند، بلکه همواره در پی نوآوری‌ها و تکمیل دانش گذشتگان در تشخیص و درمان بیماری‌ها بوده‌اند و همین موضوع، رمز ترقی روزافزون آنان تا قرون وسطای اروپایی بود.

از مهم‌ترین امتیازات حکما و اطبای اسلامی در مقایسه با حکمای هم‌زمان خود، توجه فراوان آنان به مسائل بهداشتی و نظافت فردی بود که این نوع توجه و دقت متأثر از اهمیت فراوانی بوده که اسلام برای نظافت و بهداشت قائل است. ویل دورانت در تاریخ تمدن می‌نویسد: «طیبان مسلمان به شست‌وشو مخصوصاً به هنگام تب و به حمام بخار اهمیت فراوان می‌دادند» (۲۰). منظور از حمام بخار، نوعی حمام دوش‌دار است که از ابتکارات مسلمانان به شمار می‌رود. ویل دورانت همچنین می‌نویسد: «یکی از ثمرات جنگ‌های صلیبی،

هیروفیلوس، جالینوس و اوریباسیوس، سالیانی دراز در آن مرکز به کار طبابت و تدریس اشتغال داشتند. در میان حکیمان و طبیبان اسلامی مرکز اسکندریه، جالینوس از اشتها بیشترى برخوردار بود؛ به‌گونه‌ای که اغلب پزشکان مسلمان گذشته، خود را پیرو آرای طبى جالینوس می‌دانستند.

۲. مراکز علمی و طبى سریانی که پس از نفوذ مسیحیت در سرزمین‌های غرب رودخانه‌ی فرات و بین‌النهرین تأسیس شدند. با توجه به همسایگی سریانی‌زبانان و عرب‌زبانان، پس از گسترش اسلام در مناطق عرب‌نشین، اطبای مسلمان با ترجمه‌ی آثار حکمای یونانی از سریانی به عربی، در ترویج علم طب و بهداشت در میان مسلمانان قدم‌هایی ارزنده برداشتند. بیشتر، روحانیان مسیحی مراکز علمی و طبى سریانی را اداره می‌کردند و معمولاً علوم دینی و طبى را در کنار هم تعلیم می‌دادند.

۳. مراکز علمی و طبى ایرانی که «جندی‌شاپور» از مهم‌ترین و مشهورترین این مراکز در دوران پیش از اسلام بود. بعضی محققان، این مرکز را امتزاج اندیشه‌ها و یافته‌های مراکز علمی اسکندریه، انطاکیه، یونان و ایران می‌دانند (۱۸). خاندان بختیشوع، برای چند نسل متوالی، در بیمارستان بزرگ مرکز علمی جندی‌شاپور به طبابت مشغول بودند. بعضی از اعضای خاندان بختیشوع، طبیب مخصوص خلفای عباسی بودند (۱۰). مرکز علمی و طبى جندی‌شاپور در بالندگی و رشد طبیبان مسلمان نقشی شایان توجه داشت؛ به‌طوری‌که مورخان مسلمان عموماً بیمارستان جندی‌شاپور را در شمار بیمارستان‌های اسلامی ذکر می‌کنند.

۴. مراکز طبى هندی؛ کشور هندوستان نیز از جمله مناطقی است که اقدامات پزشکی در آن سابقه‌ی دیرینه دارد و

آنچه گذشت، مقدمه‌ای بود بر اهمیت بهداشت و طب در نزد مسلمانان، به‌ویژه در قرون اولیه و میانی (هجری) که دوران شکوفایی طب اسلامی است. مطالب و مستندات برجای‌مانده در این زمینه، به مراتب جامع‌تر از آن است که در این چند صفحه به رشته‌ی تحریر درآمد. امید است در فرصت‌های دیگری توسط نگارندگان این مقاله یا دیگر محققان، پیگیری شود.

قدردانی

نویسندگان مقاله به این وسیله از همکاری‌های مفید و ارزنده‌ی آقای رضا سلیمی و خانم مریم امیرفتحیان، در تهیه‌ی مقاله‌ی حاضر قدردانی می‌نمایند.

رواج حمام‌های عمومی بخار در اروپا بود که به تقلید از گرمابه‌های مسلمانان ساخته می‌شدند و کلیسا با این‌گونه گرمابه‌ها نظر خوشی نداشت».

مسلمانان و از جمله اطباء اسلامی به پیروی از احکام دینی برای جنبه‌های مختلف بهداشت اهمیت فراوان قائل بودند. ساختن حمام و استفاده‌ی منظم از آن در میان مسلمانان رواج بسیار داشت؛ به‌گونه‌ای که در قرن دوازدهم میلادی در شهرهای عراق و مصر که از مراکز مهم حکومت اسلامی بودند، صدها حمام احداث شده بود. آنچه ذکر شد، تنها یک نمونه از نمونه‌های فراوانی است که می‌توان در تاریخ اسلامی و غیراسلامی یافت.

با استناد به تاریخ و در یک بررسی تطبیقی، به‌خوبی می‌توان دریافت که اندیشه‌ها و تجربیات بهداشتی و درمانی مسلمانان در زمره‌ی بهترین‌های زمان خود بوده است (۲۱). کثرت اطبا در شهرهای مختلف اسلامی در قرون اولیه و میانی (هجری)، خود دلیل دیگری است بر توجه مسلمانان به مسأله طب، طبابت و بهداشت. چنان‌که در یک سرشماری در زمان المقتدر عباسی در حدود ۸۶۰ پزشک در بغداد متقاضی امر طبابت بودند که باید برای دریافت پروانه‌ی پزشکی امتحان می‌دادند؛ البته عده‌ای طبیب نیز به واسطه‌ی حسن شهرت یا اشتغال به طبابت در خدمت خلیفه، جزء سرشماری برای امتحان نیامده بودند (۲۲ و ۲۳).

منابع

- 1- Majlesi M. [Bahar -ul Anwar]. : Vol 62, [Dar ul Kotob al Eslamiyeh Press]; Tehran, 1365, p: 66, 68 [In Arabic]
- 2- Sharif Razi S, Nahjolbalaghe. Translated by: Ayati, hekmat381, Bonyad nahjolbalaghe, Tehran, p: 992
- 3- Naraghi M, Jame us Sadat. Vol 3, Manshorat, Najaf, 1963, p: 309
- 4- Biazare Shirazi A. [Resaleh Novin Feghhi Pezeshki]. , Vol 1, Farhangeslami; Tehran: 1372. [In Persian]
- 5- Shamlu S. [Asibshenasi Rawani]. Chehre Press, Tehran; 1364. P: 170.
- 6- Corraze G, psycholological disorders, Translated in Persian under the title of Bimarihayeh Ravani by: Dadsetan P. and Mansori V. M. lowh Press, Tehran, 1363
- 7- Majlesi M. [Bahar Al-anwar]. Vol. 62, Dar Al-kotob Eslamiyeh Press; Tehran 1365, p.267. [In Arabic]
- 8- Majlesi M, Bahar -ul- anwar. Vol 62, Dar ol kotob eslamiyeh Press, Tehran, 1365, p: 268
- 9- Najmabadi M, Tarikhe teb dar Iran pas az Isalam. Tehran University Press, Tehran, 1353
- 10- Braown E, A History of the Islamic Medicine. Translated in Persian under the title of Tarikhe Tebbe Islami: Rajabnia M, Elmi & Farhangi Press, Tehran, 1371
- 11- Braown E, A History of the Islamic Medicine. Translated in Persian under the title of Tarikhe Tebbe Islami: Rajabnia M, Elmi & Farhangi Press, Tehran, 1371, p: 20
- 12- Majlesi M, Bahar -ul- anwar. Vol 62, Dar ol kotob eslamiyeh Press, Tehran, 1365, p: 74
- 13- Ebne khaldoon A, Moghaddme ebne khaldoon. Translated by: Parvin gonabadi M, Vol 2, Nashre ketab, 1359, p: 1032
- 14- Najmabadi M, Tarikhe teb dar Iran pas az Isalam. Tehran University Press, Tehran, 1353, P: 130-137
- 15- Hana al fakhori Kh, Tarikh falsafe arabiye. Vol2, Mesr. Cited by Halabi ali asghar, Tarikh Tamaddon Islami, Bonyad Press, Tehran, 1365, P: 356
- 16- Hana al fakhori Kh, Tarikh falsafe arabiye. Vol2, Mesr. Cited by Halabi ali asghar, Tarikh Tamaddon Islami, Bonyad Press, Tehran, 1365, P: 357
- 17- Najmabadi M, Tarikhe teb dar Iran pas az Isalam. Tehran university Press, Tehran, 1353, P: 5-6
- 18- Najmabadi M. [Tarikhe Teb dar Iran Pas az Islam]. Tehran University Press, Tehran, 1353, p.48. [In Persian]
- 19- Najmabadi M. [Tarikhe Teb dar Iran Pas az Islam]. Tehran University Press; Tehran, 1353, p.102. [In Persian]
- 20- Dorant V, The Story of Civilization, Translated in Persian under the title of Tarikhe Tamaddon by Payandeh A, Vol 11, Eghbal Press, Tehran, 1343, P: 157
- 21- Dorant V, The Story of Civilization, Translated in Persian under the title of Tarikhe Tamaddon by Payandeh A, Vol 11, Eghbal Press, Tehran, 1343, P: 502
- 22- Zeydan J, History of Islamic Civilization. Translated Translated in Persian under the title of Tarikhe Tamaddone Islam by: Javaher Kalam A, Amir kabir, Tehran, 1372, P: 603
- 23- Braown E. A History of the Islamic Medicine. Translated by Rajabnia M.: Elmi & Farhangi Press, Tehran; 1371, p.74. [In Persian]

An Introduction to the Stand of Medicine among Muslims in the Past

Mehdi Nateghpour¹, Ali Kazemian^{*2}, Nikzad Isazadeh²

¹Professor, Research Centre of Quran, Hadith and Medicine, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

²Associate Professor, Research centre of Quran, Hadith and Medicine, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Abstract

Islamic culture has a bright and comprehensive history in human civilization. Based on Islamic teachings the spirit and body are in close relation with a mutual influence on humans' health. The Holy Qur'an as well as the Prophet of Islam and his successors (peace be upon them) have paid deep attention to both spirit and body. Moreover, according to religious scholars' decree (*fatwa*) cleanness and neatness has been mentioned as the main condition for worships to be accepted. The Prophet (PUH) said: "Neatness is half of the faith". Therefore, efforts to keep the health of both spirit and body are important to Muslims. Although, in ancient time, health and medicine were bined together, later they were divided into three sections including health, clinical diagnosis of disease and treatment. Based on Islamic teachings, Muslim scholars learned medicine and then began to translate some Greek, Seriani and Indian medical knowledge into to Arabic language, which has shaped the golden age of Islamic medicine spanning between the 8th and the 15th Centuries. Among the Islamic countries Iran had a specific place in the field of medical sciences. Jondishapour was one of the most prominent medical educational centers back then. This article elaborates on the status of medicine based on historical evidence as well as Muslim physicians in the golden age of Islamic medicine.

Keywords: Islamic medicine, medical history, Muslim physicians, Iran

^{*} Corresponding Author: Email: kazemian@tums.ac.ir